

استاد مطهری و آشنایی با نهج البلاغه

استاد مطهری در خاطرات شخصی خود، نحوه علاقه مند شدن شان به کتاب عظیم الشان نهج البلاغه را بیان کرده، همچنین از استاد نهج البلاغه دان خود که تأثیری عمیق بر نگرش استاد نسبت به ژرفای کلمات نهج البلاغه داشته، یاد کرده است.



استاد مطهری در خاطرات شخصی خود، نحوه علاقه مند شدن شان به کتاب عظیم الشان نهج البلاغه را بیان کرده، همچنین از استاد نهج البلاغه دان خود که تأثیری عمیق بر نگرش استاد نسبت به ژرفای کلمات نهج البلاغه داشته، یاد کرده است.

آنچه در پی می آید ذکر خاطرات زندگی استاد شهید مطهری و آشنایی وی با نهج البلاغه به قلم خود ایشان است، که در ادامه می خوانید:

از کودکی با نام نهج البلاغه آشنا بودم و آن را در میان کتابهای مرحوم پدرم اعلی الله مقامه می شناختم. پس از آن سالها بود که تحصیل می کردم و در همه ی این مدت نام نهج البلاغه بعد از قرآن بیش از هر کتاب دیگر به گوشم می خورد. چند خطبه ی زهدی تکراری اهل منبر را آن قدر شنیده بودم که تقریباً حفظ کرده بودم، اما اعتراف می کنم که مانند همه ی طلاب و همقطارانم با دنیای نهج البلاغه بیگانه بودم. بیگانه وار با آن برخورد می کردم. بیگانه وار می گذشتم.

تا آنکه در تابستان 1320 پس از پنج سال که در قم اقامت داشتم برای فرار از گرمای قم به اصفهان رفتم. تصادف کوچکی مرا با فردی آشنا با نهج البلاغه آشنا کرد. او دست مرا گرفت و اندکی وارد نهج البلاغه کرد. آن وقت بود که احساس کردم این کتاب را نمی شناختم و بعدها مکرراً آرزو کردم که ایکاش کسی پیدا شود و مرا با دنیای قرآن نیز آشنا کند. از آن پس چهره ی نهج البلاغه در نظرم عوض شد، مورد علاقه ام قرار گرفت و محبوبم شد. گویی کتاب دیگری است غیر آن کتابی که از دوران کودکی آن را می شناختم. احساس کردم که دنیای جدیدی کشف کرده ام.

دریغ است از آن بزرگمردی که مرا اولین بار با نهج البلاغه آشنا ساخت و درک محضر او را همواره یکی از ذخائر گرانبهای عمر خودم که حاضر نیستم با هیچ چیز معاوضه کنم- می شمارم و شب و روزی نیست که خاطره اش در نظرم مجسم نگردد، یادی نکنم و نامی نبرم و ذکر خیری ننمایم.

به خود جرئت می دهم و می گویم او به حق حقیقت 'عالم ربّانی' بود، اما چنین جرئتی ندارم که بگویم من 'متعلم علی سبیل النجاه' بودم. یادم هست که در برخورد با او همواره این بیت سعدی در ذهنم جان می گرفت:

عالم و زاهد و صوفی همه طفلان رهند / مرد اگر هست، بجز عالم ربّانی نیست

او هم فقیه بود و هم حکیم و هم ادیب و هم طبیب. فقه و فلسفه و ادبیان عربی و فارسی و طبّ قدیم را کاملاً می شناخت و در برخی متخصص درجه ی اول به شمار می رفت. 'قانون' بوعلی را که اکنون مدرّس ندارد او به خوبی تدریس می کرد... او با نهج البلاغه می زیست، با نهج البلاغه تنفس می کرد، روحش با این کتاب همدم بود، نبضش با این کتاب می زد و به آنها استشهاد می نمود. غالباً جریان کلمات نهج البلاغه بر زبانش با جریان سرشک از چشمانش بر محاسن سپیدش همراه بود.

برای ما درگیری او با نهج البلاغه، که از ما و هر چه اطرافش بود می برید و غافل می شد منظره ای تماشایی، لذت بخش و آموزنده بود. سخن دل را از صاحب‌دل شنیدن، تأثیر و جاذبه و کشش دیگری دارد. او نمونه ای عینی از سلف صالح بود. عالم ربّانی مرحوم آقای حاج میرزا علی آقا شیرازی اصفهانی قدس الله سرّه راستی مرد حق و حقیقت بود.

با این همه من ادعا نمی کنم که او در همه ی دنیاهای نهج البلاغه وارد بود و همه ی سرزمین های نهج البلاغه را فتح کرده بود.

استاد در ادامه می نویسد: نهج البلاغه چندین دنیا دارد: دنیای زهد و تقوا، دنیای عبادت و عرفان، دنیای حکمت و فلسفه، دنیای پند و موعظه، دنیای ملامت و مغیبات، دنیای سیاست و مسئولیت های اجتماعی، دنیای حماسه و شجاعت.

استاد شهید مرتضی مطهری که روز بزرگداشت مقام استاد و معلم در تقویم تاریخ ایران به نام ایشان مزین شده است، در آثار متعدد خود به کرات به آموزه های مولای متقیان -علی علیه السلام برگرفته از خطبه ها و کلمات نهج البلاغه ارجاع داده اند.

استاد مطهری که خود از متفکران دردمند روزگار بود، در کتاب انسان کامل، بیشترین توصیفات از ویژگی های انسان حقیقی را از زبان علی (ع) جستجو کرده است. ایشان در بخشی از این کتاب به 'دردهای والای انسان حقیقی' اشاره کرده و مباحثه ی امام علی (ع) با کمیل بن زیاد نخعی را نقل می نماید:

امیرالمؤمنین علی (ع) با کمیل بن زیاد نخعی به صحرا می رود، کمیل می گوید همین که به صحرا رسیدیم و دیگر کسی آنجا نبود، علی (ع) آه عمیقی کشید، بعد فرمود: دل انسان به منزله ی ظرف است. بهترین ظرفها آن است که ظرفیتش بیشتر باشد یا بهتر (مظروف) را نگهداری کند. (سپس) در اواخر صحبت شان شکایت می کند که: افسوس افراد صاحب سَرّی نیستند که من آنچه را که در دل دارم، بتوانم به آنها اظهار کنم. بعد می گوید: ولی اینچنین هم نیست که هیچکس نباشد، همیشه در همه ی زمانها چنین افرادی هستند. ... آنهایی که به مقام یقین کامل رسیده اند و به روح یقین اتصال پیدا کرده اند و فاصله ای با روح یقین ندارند، آن چیزهایی که برای اهل ترف و ماده پرست ها خیلی سخت است، برای آنها رام و نرم است، آنچه برای نادان ها مایه ی وحشت است، یعنی خلوت با حق، برای آنها مایه ی انس است.

استاد در ادامه می گوید: دردهای علی و به تعبیر ما دردهای عرفانی علی و دردهای عبادتی علی و مناجات های علی یک مسئله ی بسیار واضح و روشنی است.

انس استاد با نهج البلاغه، سرایش این کلمات را از قلمش جاری می سازد که: این درد انسان است؛ یعنی درد جدائی از حق و آرزو و اشتیاق تقرب به ذات او و حرکت به سوی او و نزدیک شدن به او. تا انسان به ذات حق نرسد، این دلهره و اضطراب از بین نمی رود و دائماً این حالت برای او هست. اگر انسان خود را به هر چیز سرگرم کند، آن چیز سرگرمی است و حقیقت چیز دیگری است.

استاد در مناسبات مختلف مخاطبان را به خواندن دعای کمیل ترغیب می فرمود و می گفت: این دعا از نظر مضمون در اوج عرفان است؛ چرا که مضامین آن مافوق دنیا و مافوق آخرت است.

استاد درباره ی اتحاد شخصیتی مولای متقیان می گوید: نهج البلاغه مثل خود علی (ع) است. کلام انسان مثل خود اوست، چون کلام تنزل روح انسان است، تجلی روح انسان است. یک روح پست، کلامش پست است و یک روح عالی، کلامش عالی است، یک روح یک بُعدی، کلامش یک بُعدی و یک روح چند بُعدی کلامش هم چند بُعدی است. علی (ع) شخصیت جامع الاضداد است، کلامش هم جامع الاضداد است. نهج البلاغه مثل خود علی، جامع است. در کلامش آزادیخواهی، حماسه، عرفان، فلسفه و اخلاق در اوج است.

استاد شهید مرتضی مطهری در سال 1298 در فریمان دیده به جهان گشود. وی استاد فلسفه و کلام اسلامی و تفسیر قرآن در دانشگاه تهران، و از نظریه پردازان نظام جمهوری اسلامی ایران بود. استاد مطهری به خاطر نوع تبیین اسلام در درس ها، سخنرانی ها و آثار مکتوبش از جمله اثرگذار ترین شخصیت های تاریخ معاصر ایران در جذب جوانان به بینش اسلامی و ردّ تفکرات مادی گرایانه و مبارزه با تفکر التقاطی بود. امام خمینی قدس الله رهبر کبیر انقلاب علاقه ی ویژه ای به شخصیت شهید مرتضی مطهری داشتند تا جائیکه در سوگ وی جامه ی ساه بر تن نمودند و وی را در تعبیری یگانه از سوی خود پاره ی تن اسلام و حاصل عمر خود خواندند. استاد مطهری در حالیکه فقط حدود سه ماه پیروزی انقلاب اسلامی گذشته بود، توسط نیروهای فاسد ضدّ انقلاب به شهادت رسیدند. مجموعه آثار چاپ شده ی ایشان بالغ بر 60 اثر را شامل می شود.